

سلسله مطالب در خصوص تخلفات انتظامی وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت (۹)

مقدمه و مطلب نهم: وکالت بطرفیت موسسه ای که بعنوان مشاور حقوقی یا وکیل آنها است و همچنین وکالت بطرفیت موکل سابق و فروع آن.

مقدمه: در مطالب قبلی در خصوص اهداف خود جهت ارائه این سلسله مقالات صحبت کردیم ، خداوند را شکر گذارم که تاکنون قدمی هر چند کوتاه در راستای کمک به همکاران برداشته ام و تمامی سعی و تلاش خود را می کنم تا به تمامی تخلفات انتظامی بپردازیم و باعث شویم دوستان و همکاران در تمامی اعمال خود مراقب باشند و خواسته یا ناخواسته مرتکب تخلفی نشوند که باعث تیره شدن کارنامه و پرونده وکالتیشان شود . مجدداً تکرار می شود اولاً: نظرات اعلامی در این سلسله مطالب نظرات شخصی اینجانب و دوستان و همکاران می باشد و نقطه نظرات دادسرا محسوب نمی گردد . ثانیاً: همکاران محترم در نظر داشته باشند در این سلسله مطالب قصد، برخورد های سخت گیرانه در خصوص اعمال وکالتی و شخصی است و امکان آن که در دادسرا و دادگاه انتظامی برخوردی سهل تر شود وجود دارد . ثالثاً : از همکاران

خواهشمندم با بنده همکاری کنند تا موضوعات متنوع و مشکلات و مصادیق در حال حاضر تخلفات انتظامی وکلا تقدیم دوستان گردد و بتوانیم استفاده بیشتری از مطالب ببریم . همچنان از حمایت بی دریغ همه همکاران تشکر می نمایم .

مطلب نهم : وکالت بطرفیت موسسه ای که بعنوان مشاور حقوقی یا وکیل آنهاست و همچنین وکالت بطرفیت موکل سابق و فروع آن.

مواد مرتبط با موضوع:

ماده ۳۲ قانون آئین دادرسی مدنی می گوید : ((وزارتخانه ها وموسسات

دولتی ووابسته به دولت،شرکتهای دولتی،نهادهای انقلاب اسلامی

وموسسات عمومی غیردولتی ، شهرداریها و بانک ها می توانند علاوه بر

استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعویادفاع وتعقیب دعاوی

مربوط ازاداره حقوقی خودیاکارمندان رسمی خود با داشتن یکی ازشرایط

زیربه عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱-دارابودن لیسانس دررشته حقوق بادوسال سابقه کارآموزی

دردفاتر حقوقی دستگامهای مربوط.

۲- دوسال سابقه کارقضائی یاوکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به

مشاغل قضاوت یاوکالت.

تشخیص احراز شرایط یادشده به عهده بالاترین مقام اجرائی سازمان یاقائم

مقام قانونی وی خواهدبود.ارائه معرفی نامه نمایندگی حقوقی به مراجع

قضائی الزامی است.))

بند ۸ ماده ۸۰ از آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری اعلام

می دارد: ((در صورتی که در یکی از وزارتخانه یا ادارات دولتی یا مملکتی یا

شهرداری یا بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت

است سمت وکالت یا مشاور حقوقی داشته و علیه آنها قبول وکالت نماید))

که مطابق ماده ۸۰ درجه ۴ مجازات انتظامی برایش در نظر گرفته شده است

و طبق ماده ۷۶ آئین نامه درجه ۴ مجازات انتظامی تنزل درجه می باشد .

ماده ۳۷ قانون وکالت : وکلا نباید بعد از استعفا از وکالت یا معزول شدن از

طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص

ثالث را در آن موضوع بر علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول

نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این مورد بپذیرند.

ماده ۸۱ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری : متخلف درموارد

ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد . بند ۳: تخلف از

سوگند.

بند ۲ ماده ۸۲ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری : ((در

صورتی که بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهت

دیگر وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در ان موضوع علیه موکل سابق

خود یا قائم مقام قانونی او قبول نماید)) که وفق قانون وکالت با وکیل

خاطی برخورد خواهد شد.

تصویب نامه اجازه انعقاد قرارداد وزارتخانه هاوموسسات دولتی با وکلای

دادگستری جهت اقامه یا تعقیب یا دفاع دعاوی مصوب ۱۳۴۵/۷/۳۰ هیات

وزیران مقرر می دارد:

هیئت در جلسه مورخ ۴۵/۷/۳۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۱۱۹ مورخ ۱۳۴۵/۵/۱۲

وزارت دارائی تصویب نمودند:

۱- وزارتخانه ها و موسسات دولتی وابسته به دولت (به شرح فهرست

ضمیمه) جهت اقامه یا تعقیب یا دفاع دعاوی مربوط به خود در محاکم و مراجع قانونی یا مشاور حقوقی مجازند با وکلای دادگستری قرارداد منعقد کنند.

۲- قراردادهای مذکور بر دو نوع است :

الف- برای مورد خاص.

ب- برای مدت معین.

۳- حق الوکاله وکلایی که برای مورد خاص به آنان وکالت داده میشود نباید حداکثر از میزان مقرر در آئین نامه حق الوکاله تجاوز کند.

۴- قراردادهای وکالت یا مشاوره حقوقی برای مدت معین حداکثر به مدت یکسال منعقد خواهد شد و در صورت لزوم قابل تمدید است.

وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت مجاز نیستند قرارداد وکالت و مشاوره حقوقی

برای مدت معین با بیش از دو نفر وکیل منعقد نمایند و در صورتی که بر حسب ضرورت به تعداد بیشتری احتیاج باشد انعقاد قرارداد با وکلای مورد نیاز برای مدت معین با صدور تصویبنامه امکان پذیر خواهد بود.

۵- در مورد وکالت یا مشاوره حقوقی برای مدت معین میزان حق الوکاله یا حق

المشاوره مقطوع

ماهیهانه با توجه به کیفیت کار پس از تأیید هیات وزیران تأیید می شود.

۶- به غیر از هزینه سفر و فوق العاده روزانه که طبق آئین نامه حق الوکاله

پرداخت می شود و همچنین حق الوکاله مورد خاص و حق الوکاله یا حق

المشاوره مقطوع ماهانه تادیه وجه دیگری تحت هر عنوان و نیز کمک جنسی

به وکلاء ممنوع است.

۷- وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت در صورت اقتضاء می

توانند در قرار داد وکالت برای مدت معین ذکر نمایند که علاوه بر پرداخت

حق الوکاله مقطوع ماهانه در مورد هر دعوی چنانچه حکم نهایی به سود

دولت صادر گردد و محکوم علیه به تادیه خسارت حق الوکاله محکوم و حق

الوکاله وصول شود تا پنجاه درصد آن از محل اعتبار مربوط به وکیل یا

وکلائی که در دعوی مداخله داشته اند با رعایت آئین نامه حق الوکاله

پرداخت شود .

۸- انعقاد قرارداد وکالت یا مشاوره حقوقی با یک وکیل در دو یا چند وزارتخانه یا موسسات دولتی و ووابسته به دولت ممنوع است مگر در مورد وکالت موضوع بند الف ماده ۲ این تصویب نامه .

۹- ارجاع پست سازمانی به وکلاء دعاوی ممنوع است .

۱۰- قراردادهایی که سازمانهای دولتی قبل از تصویب این آئین نامه با وکلاء دعاوی منعقد کرده اند تا پایان مدت معتبر است .

همچنین هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۸/۷ بنا به پیشنهاد شماره ۶۲۲۵۵/۴۰ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۴ معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود : ((انعقاد قرارداد جدید وکالت و مشاوره حقوقی و یا تمدید

قراردادهای قبلی و تعیین میزان حق الوکاله و حق المشاوره با رعایت

تصویب نامه شماره ۶۰۳۴ مورخ ۱۳۴۵/۷/۳۰ به استثنای قسمت اخیر

بند (۴) و بندهای (۵، ۶، ۸) آن با تصویب وزیر یا بالاترین مقام موسسات و

شرکتهای دولتی و سازمانهایی که مشمول مقررات عمومی در مورد آنها

مستلزم ذکر نام می باشد . خواهد بود.))

موضوعات مرتبط با مطلب نهم با توجه به بند ۸ ماده ۸۰ از آئین نامه و ماده ۳۷ قانون وکالت و بند ۳ ماده ۸۱ آئین نامه لایحه استقلال و بند ۲ ماده ۸۲ آئین نامه :

۱- نظریه کمیسیون امور حقوقی قانون وکلاء بشماره ۱۷۴۸۰ مورخ ۸۰/۹/۲۰

سوال: با عنایت به اینکه قبل از وکالت ، در نهاد بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی و عمدتاً" به عنوان کارشناس حقوقی اشتغال داشته ام و اکنون نیز هیچگونه رابطه استخدامی یا قراردادی با نهاد مذکور ندارم ، آیا اجازه دارم در مواردی که طرف مراجعه اشخاص قرار می گیرم به طرفیت بنیاد موصوف قبول وکالت نمایم . (این در حالی است که برای پذیرش این قبیل پرونده ها منع قانونی وجود ندارد)؟

جواب: قبول وکالت بطرفیت مرجعی که سابقاً" موکل یا طرف مشاوره وکیل بوده و از اسرار آن آگاهی یافته با لحاظ بند ۸ ماده ۸۲ آئین نامه لایحه قانونی استقلال قانون وکلاء مجاز نمی باشد و موجب تخلف انتظامی است .

۲- نظریه کمیسیون استفتائات قانون وکلای دادگستری به تاریخ ۷۸/۶/۹

در مورد بند ۸ ماده ۸۰ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلاء دو فرض قابل تصور است :

۱- وکیل دادگستری در زمانی که سمت وکالت یا مشاوره حقوقی یکی از وزارتخانه ها یا ادارات دولتی را به عهده دارد ، قبول هر نوع وکالت علیه آن وزارتخانه یا سازمان دولتی ممنوع است .

۲- وکیل دادگستری قبلاً " سمت وکالت یا مشاور حقوقی و یا کارشناس حقوقی را در یکی از وزارتخانه ها و ادارات دولتی شهرداریها و... داشته است . در این صورت در همان موضوعاتی که به طور خاص اظهار نظر کرده و یا در آن مورد نظر کلی داده است نمی تواند علیه وزارتخانه یا ادارات دولتی قبول وکالت کند، هر چند از نظر اخلاق حرفه ای بهتر است از قبول وکالت در تمام موارد علیه سازمان متبوع سابق خود امتناع نماید.

۳- نظریه شماره ۱۵۹۵۹ مورخ ۱۳۸۱/۸/۳۰:

عطف به نامه وارده تحت شماره ۵۳۸۴ مورخ ۸۱/۴/۲ موضوع در کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

سوال: مساله قبول وکالت عليه سازمانها، شرکتهای دولتی و شهرداریها که وکیل دادگستری سابقه همکاری با آنها داشته است، یکی از مسائل مبتلا به همکاران است که تاکنون نظرات متفاوتی راجع به آن مطرح شده است که مشروح آن بیان می شود: الف) نظریه مندرج در صفحه ۱۲۳ مجله کانون شماره یک دوره جدید موید این معنا است که وکیل در مورد همان موضوعاتی که به طور خاص اظهار نظر کرده یا اظهار نظر کلی کرده است نمی تواند علیه وزارتخانه یا اداره دولتی قبول وکالت کند، هر چند از نظر اخلاق حرفه ای بهتر است از قبول وکالت در تمام موارد علیه سازمان متبوع خود خود داری کند. ب) نظریه مندرج در صفحه ۱۷۸ مجله کانون شماره ۶ دوره جدید موید این معنا است که قبول وکالت به طرفیت مرجعی که سابقاً "موکل یا طرف مشاوره وکیل بوده و از اسرار آن آگاهی یافته، با لحاظ بند ۸ ماده ۸۰ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلاء مجاز نمی باشد و موجب تخلف انتظامی است. نظریه اخیر به طور مطلق پذیرش وکالت را ممنوع اعلام کرده است، نظریه صریح کمیسیون در ارتباط با موارد ذیل چه می باشد:

۱- بعضاً " سمت مشاوره یا کارشناس حقوقی مربوط به سالها قبل می باشد. فی المثل فردی در یک دهه گذشته و صرفاً" برای یک دوره یک ساله مشاور حقوقی شهرداری بوده است و در حال حاضر مسئله قبول وکالت در خصوص مسائلی مطرح است که وکیل راجع به آنها اظهار نظر نکرده است . آیا به استناد اصل جواز می توان قائل به پذیرش وکالت در این گونه موارد شد؟ و آیا زمان در ایجاد محدودیت یا زوال آن بی تاثیر است ؟

۲- آنچه در بند ۲ ماده ۸۰ آئین نامه مطرح است قبول وکالت علیه اداره دولتی و شهرداری است . آیا این ممنوعیت شامل قبول نیابت جهت انجام امری در مراجع فوق نیز می شود ؟ آیا این استدلال که در خصوص قواعد خلاف اصل باید به قدر متیقن از مواردی از مواد اکتفا کرد و تفسیر موسع جایز نیست ، می توان قائل بر این شد که قبول وکالت بلا مانع است ؟۳- مقصود از اخلاق حرفه ای که در نظریه کمیسیون به آن اشاره شده است چیست ؟ آیا عدم رعایت اخلاق حرفه ای تخلف محسوب می شود؟۴- آیا وکیل دادگستری می تواند در اداره دولتی که سابقه خدمت داشته است صرفاً" با ارائه وکالتنامه ای که در دفتر خانه اسناد رسمی تنظیم شده است قبول وکالت نماید ؟۵- آیا قبول وکالت در محلی غیر از محل اشتغال وکیل

به این نحو که مثلاً " اشخاص متعددی از حوزه قضایی قزوین به تهران مراجعه و در دفتر وکیل واقع در تهران مبادرت به انعقاد قرارداد وکالت نمایند مواجهه با ایراد قانونی است یا خیر؟ آیا این امر تمرکز وکالتی در حوزه دیگری محسوب می شود یا خیر؟

جواب : در مورد سوال اول با توجه به اطلاق بند ۸ ماده ۸۰ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلاء ممنوعیت مقید به به زمان خاص نبوده و دائمی به نظر می رسد . در مورد سوال دوم صرف مراجعات اداری بالاشکال است ولی چنانچه نیابت مورد نظر نتیجتاً " علیه و به ضرر سازمانهای مذکور در بند ۸ ماده فوق الذکر باشد، ممنوع است. در مورد سوال سوم اخلاق حرفه ای اعم است از مواردی که برای تخلف محسوب است و نیز انتظارات جامعه از وکیل دایر بر لزوم رعایت شئون وکالت و نیز اموری است که اشتغال به وکالت مستلزم رعایت آنهاست. در مورد سوال چهارم چنانچه قبول وکالت علیه سازمانهای موضوع بند ۸ ماده ۸۰ آئین نامه لایحه استقلال کانون باشد، ممنوعیت موضوع بند((ب)) مارالذکر حتی با تنظیم سند رسمی ، شامل مورد خواهد بود . در مورد سوال پنجم از آنجایی که تمرکز امور با توجه به فعالیت وکلاء مختلف، متفاوت و نسبی است ، بنابراین چنانچه

مراجعه افراد متعدد در سوال مذکور ، موجب تمرکز امور وکالت د رخارج از حوزه قانونی وکالت تلقی گردد، ممنوع است .

۴- نظریه کمیسیون امور حقوقی کانون وکلا بشماره ۶۳۹۲ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۷

سوال: چنانچه وکیل به وکالت از احد وراث آقای ((الف)) در خواست صدور

گواهی انحصار وراثت تسلیم نموده باشد و پس از صدور گواهی انحصار

وراثت ، ورثه متوفی آقای ((الف)) و ((ب)) مشخص شده باشند ، آیا وکیل

مزبور در این صورت می تواند در دعوی تحریر ترکه و تقسیم آن به وکالت

از آقای ((ب)) علیه آقای ((الف)) اقدام نماید ؟ و آیا در این صورت مشمول

حکم ماده ۳۷ قانون وکالت می شود؟

جواب: علاوه بر اینکه موضوع سوال با توجه به ماده یک قانون امور حسبی

و سایر مقررات مضبوط در قانون مذکور از امور حسبی تلقی شده و ترافعی

نیست و اساساً " موضوعات عنوان شده متفاوت می باشند ، مورد ، مشمول

ماده ۳۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و نیز بند ۲ ماده ۸۲ آئین نامه لایحه

استقلال کانون وکلاء نمی گردد. النهایه با عنایت به ماده ۳۰ قانون وکالت و

لزوم رعایت اخلاق حرفه ای وکالتی ، عدم پذیرش چنین وکالتی اولی است.

۵- نظریه کمیسیون امور حقوقی کانون وکلاء به شماره ۶۳۹۰ مورخ

۱۳۸۱/۴/۱۷ .

سوال: آقای ((الف)) به اینجانب وکالت داده اند که علیه آقای ((ب)) دعوی الزام به تنظیم سند رسمی در محاکم دادگستری مطرح نمایم . پس از طرح این دعوی آقای ((ب)) مراجعه و اظهار می دارد د ر خصوص همان ملکی که علیه وی دعوی الزام مطرح شده ، شخص دیگری ادعای مالکیت دارد و دعوی خلع ید نسبت به بخشی از همان ملک علیه او مطرح نموده است .
لذا تقاضا دارد وکالت او را د ر پرونده اخیر علیه شخص ثالث بپذیریم .
سوال این است که آیا پذیرفتن وکالت آقای ((ب)) د ر پرونده دوم از مصادیق تخلف انتظامی است یا خیر؟

جواب : موضوع مشمول ماده ۳۷ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵ بوده و در صورت پذیرش دعوی وکیل به موجب بند ۲ ماده ۸۲ آئین نامه لایحه استقلال قابل تعقیب خواهد بود.

۶- نظریه کمیسیون امور حقوقی بشماره ۹۷۲۰ مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۰

عطف به نامه شماره ۷۸/۴۲۳ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۹ موضوع در کمیسیون

تخصصی امور حقوقی کانون وکلاء مطرح و به شرح آتی اظهارنظر گردید:

سوال: آیا ماده ۳۷ قانون وکالت مشمول کسی که سالها قبل مشاور حقوقی

شرکت بوده و مورد وکالتی بین آنان نبوده و آن رابطه قطع شده و اینکه

هیات مدیره جدید علیه هیات مدیره وقت مدعی حقوقی شده اند می شود

یا خیر؟

جواب: مقررات ماده ۳۷ قانون وکالت نمی تواند شامل استعلام کننده باشد

زیرا مشاور شرکت (شخصیت حقوقی) بوده اند نه مشاور هیات مدیره.

۷- نظریه کمیسیون امور حقوقی بشماره ۶۸۷۷ مورخ ۸۱/۴/۲۵

عطف به نامه وارده تحت شماره ۶۳/۷۱۲/۸۱ مورخ ۸۱/۳/۲۳ موضوع در

کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون مطرح و به شرح آتی اظهارنظر

گردید:

سوال: آیا وکیل دادگستری در یک زمان می تواند د پرونده های مختلف با

موضوعات متفاوت و در شعب مختلف برله و علیه موکل خود طرح دعوا

نموده و یا در مقام پاسخ وارد گردد یا خیر؟ در صورتی که پاسخ منفی است مستند قانونی آن را به این دادگاه اعلام فرمایید.

جواب نسبت به مورد سوال، ممنوعیت وکالت محدود به مندرجات ماده ۳۷ قانون وکالت و بند ۲ ماده ۸۲ آئین نامه لایحه استقلال قانون وکالت است معهذا با توجه به مفاد سوگند موضوع ماده ۳۹ آئین نامه لایحه استقلال قانون وکلاء و تفسیر ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵ اقتضاء دارد که وکلاء در این گونه موارد از پذیرش وکالت امتناع نمایند و چنانچه موکل از اشخاص حقوقی موضوع بند ۸ ماده ۸۰ لایحه استقلال وکلا باشد رعایت مقررات بند مذکور نیز الزامی است .

۸- نظریه کمیسیون تخصصی امور حقوقی بشماره ۸۶۹۷ مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۴

عطف به نامه وارده تحت شماره ۵۶۹۲ مورخ ۸۱/۴/۵ موضوع در کمیسیون

تخصصی امور حقوقی قانون مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

سوال: شرح موضوع: مالکین مشاعی قطعه زمین دادخواست مطالبه اجرت

المثل زمین در زمان مشخص علیه متصرف به دادگاه عمومی زنجان تقدیم

نموده اند و اینجانب به وکالت از تعدادی از مالکین در مرحله تجدیدنظر

اقدام نموده ام و پرونده در جریان رسیدگی است . سپس قطعه زمین مذکور از حوزه قضایی دادگاه عمومی زنجان منتزع و جزء حوزه قضایی دادگاه عمومی سلطانیه قرار گرفته است و تعدادی از مالکین مشاعی غیر از موکلین اینجانب دادخواست مطالبه اجرت المثل در محدوده زمانی خارج محدوده مشخصی در پرونده فوق الذکر علیه متصرف مذکور تقدیم دادگاه عمومی سلطانیه نموده اند و خواسته برابر ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (بند ۱۴) تقویم گردیده است . از طرفی کار آموز اینجانب از طرف خواننده پرونده وکالتنامه ای به دادگاه عمومی سلطانیه تسلیم نموده است . حال سوالی که مطرح است با توجه به اینکه موکلین اینجانب غیر از خواهانهای پرونده اخیرالذکر هستند که کارآموز اینجانب وکالت آنها را برعهده دارند و با توجه به اینکه دو پرونده جدا از همدیگر و با دو خواسته متفاوت از حیث زمان و در دو حوزه قضایی جداگانه تشکیل شده است ولی موضوع دعوی در هر پرونده یکی است ، آیا تداخلی بین وکالت اینجانب و کار آموزم وجود دارد یا خیر؟

جواب: نظر به مدلول ماده ۳۷ قانون وکالت و ماده ۳۸ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلاء که وکالت کارآموز را تحت نظر وکیل سرپرست مجاز

دانسته است ، بنابراین وکالت وکیل سرپرست از ناحیه خواهانها نسبت به دعوی مطالبه اجرت المثل یک ملک با وکالت کار آموز از سوی همان خواننده راجع به اجرت المثل همان ملکولو در پرونده ها و دادگاههای مختلف و خواهانهای متعدد قابل جمع نیست .

۹- نظریه کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلاء بشماره ۱۳۴۸۶ مورخ

۷۹/۱۰/۱۷

عطف به نامه وارده تحت شماره ۱۳۴۸۶ مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۹ موضوع در کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلاء مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید.

۱- سوال : آیا کارآموز وکالت می تواند به طرفیت وکیل سرپرست خود در

یک پرونده قبول وکالت نماید یا خیر؟

جواب: به نظر می رسد که این امر مجاز نیست زیرا هدایت و راهنمایی کارآموز با وکیل سرپرست است و جمع این عنوان در وکالت برای هر دو طرف دعوی قابل قبول نیست .

۲- سوال: آیا کارآموز وکالت می تواند به طرفیت سایر کارآموزان وکیل

سرپرست خودقبول وکالت نماید یا خیر؟

جواب: به نظر می رسد با توجه به وظایف وکیل سرپرست و اینکه پیشرفت

دعاوی می بایست درابتدای امر وکالت ملحوظ شود و سرپرستی همزمان

کارآموزان وکالت برای خواهان و خواننده قابل جمع نمی باشد علیهذا پاسخ

این سوال نیز منفی است .

۱۰- نظریه شماره ۷/۷۷۶ مورخ ۱۳۷۶/۲/۲۱ اداره حقوقی دادگستری

سوال: در یک پرونده ۵ نفر متهم به شرکت در قتل می باشند و احد از

وکلائی دادگستری وکالت و دفاع از همه متهمین را به عهده گرفته است . آیا

درچنین موردی یک نفر از وکلای دادگستری می تواند عهده دار دفاع از

کلیه متهمین گردد؟

نظریه اداره حقوقی

وکالت یک نفر از وکلای دادگستری از تمام متهمین یک پرونده هرچند

تعداد آنان زیاد باشد اشکال قانونی ندارد مگر این که دفاع از آنان تعارض

داشته باشد . محدودیت انتخاب وکیل صرفاً " از جهت اصحاب دعوی است که نمی توانند بیش از دو یا سه وکیل داشته باشد .

۱۱- نظریه شماره ۱۴۹۳۷ کمیسیون امور حقوقی کانون وکلاء

عطف به نامه شماره ۸/۵۶۱/۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۷/۲ موضوع در کمیسیون امور حقوقی کانون مطرح و به شرح ذیل اظهار نظر گردید:

سوال: با عنایت به اینکه احد از وکلای اصفهان در پرونده کیفری د راین شعبه به عنوان وکیل تسخیری احد از متهمین تعیین و معرفی شده اند ، از طرفی ایشان وکیل انتخابی احد دیگر از متهمین همین پرونده هستند ، آیا از نظر مقررات و آئین نامه های آن کانون در این خصوص منع قانونی وجود دارد یا خیر؟

جواب: موضوع مورد استعلام منع قانونی ندارد مگر آنکه دو وکالت قابل جمع نبوده و دفاع از یکی از متهمین معارض و منافی با دفاع از متهم دیگر باشد.

۱۲- نظریه مورخ ۱۳۸۱/۵/۱۶ کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون

عطف به نامه شماره ۲-۱۶/۴۷ مورخ ۱۳۸۱/۵/۱۶ موضوع در کمیسیون

تخصصی امور حقوقی کانون مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

سوال: با عنایت به ماده ۳۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و با در نظر گرفتن

مفهوم مخالف ماده مذکور، آیا وکیل می تواند با انقضاء وکالت به جهتی از

جهات، وکالت شخصی را که قبلاً بر علیه مشار الیه بوده و در آن موضوع

قبول وکالت نماید یا خیر؟

با این توضیح که اینجانب در پرونده ای وکیل احد از شاکیان بوده ام، لیکن

در پرونده جدید وکیل متهم پرونده سابق علیه شاکیان دیگر (غیر از موکل

سابق) می باشم .

جواب: گرچه موضوع سوال با ماده ۳۷ قانون وکالت کاملاً انطباق ندارد ولی

با توجه به مواد ۳۰ قانون وکالت و متن سوگند نامه وکلاء موضوع ماده

۳۹ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلاء پذیرش وکالت موضوع سوال با

مدلول مواد اخیرالذکر منافات دارد.

۱۳- نظریه کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلاء بشماره ۱۵۲۷۵

مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۲

عطف به نامه وارده تحت شماره ۱۵۶۷۳ مورخ ۷۹/۱۰/۱ موضوع در کمیسیون

تخصصی امور حقوقی قانون مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

سوال: چنانچه وکیلی وکالت مع الواسطه شخصی را در محاکم بپذیرد که در

خصوص موضوع د پرونده ای درمقابل شخصی که وکالت را به او تفویض

نموده قرار گیرد، آیا می تواند در ادامه همان پرونده (مثلاً " د مرحله

اجرایی) وکالت طرف مقابل را پذیرفته که اساساً " وکالتنامه اولیه را نیز با

وی تنظیم نموده است. (توضیح تکمیلی اینکه شخص با اختیار حق توکیل

مندرج در سند رسمی از طرف موکل خود با وکیل دادگستری جهت مراجعه

به محاکم دادگستری اقدام به تنظیم وکالتنامه نموده است تا اقدام به طلاق

توافقی نمایند.)

جواب: با توجه به ماده ۳۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ که به موجب آن وکیل

در صورت انقضای وکالت نمی تواند وکالت طرف مقابل را بپذیرد ، در ما

نحن فیه که هنوز وکالت منقضی نشده ، به طریق اولی پذیرش وکالت طرف

فاقد مجوز قانونی است .

۱۴- نظریه کمیسیون امور حقوقی بشماره ۱۱۲۳۲ مورخ ۱۳۸۰/۶/۱۵

عطف به نامه شماره ۱۴۷۱۵ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۳ موضوع در کمیسیون امور

حقوقی مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

سوال : در دعوی اداره اوقاف به طرفیت موکل اینجانب به خواسته ابطال سند مستثنیات موکل از قانون اصلاحات ارضی حکم به محکومیت موکل صادر شده است .

در دعوی اداره اوقاف علیه صاحبان نسق همان روستا به خواسته ابطال اسناد انساق زارعی که از جمله مستندات آن حکم فوق الذکر می باشد ، قبول وکالت خواندگان و اعتراض ثالث بر حکم مزبور که در صورت موفقیت به سود موکل قبلی نیز خواهد بود ، مشمول ماده ۳۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ می باشد یا خیر؟

جواب: طبق ماده ۳۷ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ با اصلاحات بعدی آن و قوانین الحاقی ، وکلاء نباید بعد از استعفاء از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع بر عیله موکل سابق یا قائم مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این موارد بپذیرند. بر طبق دستور

این ماده هرگاه قبول وکالت علیه موکل شما نیست ، پذیرفتن چنین وکالتی منع قانونی ندارد و می توان آن را پذیرفت .

به نظر می رسد تمامی سوال و جوابهای صورت گرفته ، بسیاری از ابهامات را پاسخ داده است ، اما کوتاه مطالبی که باید به آنها پرداخت:

۱- اگر وکیلی بصورت مع الواسطه از شخصی اخذ وکالت نماید تا پرونده ای را مطالعه کند ، پس از مطالعه پرونده وکالت شخص موکل را نپذیرد و اقدام به دریافت وکالت از شخص ثالثی را در یک پرونده دیگر بنماید و موکل در مطالعه پرونده را نیز بعنوان خواننده خود قرار دهد چه حکمی دارد؟

دراینخصوص با توجه به اینکه وکیل فقط وکالت در مطالعه پرونده را داشته و پس از مطالعه پرونده وکالت شخص موکل را در ماهیت قضیه نپذیرفته عملاً "مسئولیتی درقبال موکل خود ندارد، و بخصوص اینکه در همان

پرونده وکالت طرف مقابل را نیز دریافت نکرده بلکه در دعوی دیگری که مطرح نموده ، موکل در مطالعه را جزء خوانندگان خود قرار داده ، به نظر می رسد مسئولیتی نداشته ، مشمول مواد قانونی مزبور نخواهد بود ، از طرفی وکیل به هر شکلی قادر بوده با استناد به پرونده مورد مطالعه مجدداً آنرا

مطالعه و از محتویات پرونده با خبر شود و این امر اطلاع از اسرار موکل نخواهد بود. اسرار موکل همانا مطالب و مدارک و موضوعاتی است که وکیل در جهت دریافت وکالت در ماهیت از موکل خود اخذ می نماید.

۲- اگر وکیل در یک شرکت خصوصی وکالت و قرار داد مشاوره داشته باشد، با توجه به اینکه موارد اعلامی در خصوص شرکتهای وابسته به دولت است،

آیا وکیل قادر است پس از پایان قرارداد وکالت وکالت بطرفیت شرکت را بپذیرد، و یا اینکه اگر وکیل وکالت و مشاوره شرکت را بصورت کلی و مدت دار نداشته بلکه بصورت موردی از شرکت وکالت داشته باشد، موضوع چگونه خواهد بود؟ به نظر این حقیر در این صورت اگر وکیل وکالت

و مشاوره مدت دار از شرکتی غیر دولتی داشته باشد قادر نیست

بطرفیت شرکت حتی پس از اتمام مدت قرارداد وکالتی بپذیرد اما اگر وکیل بصورت موردی وکیل شرکتی بوده و مثلاً "در خصوص یک مورد اختلاف شرکت با طرف مقابل، وکالت شرکت را بر عهده بگیرد، اما اگر ((در خصوص موضوعات)) دیگری غیر از موضوعی که قبلاً"

وکالت شرکت را بصورت موردی بر عهده داشته وکالتی بطرفیت

شرکت مذکور قبول کند بلا مانع است . چون نه اسرار موکل را در این خصوص نمی داند و نه قبلاً" وکالتی در این خصوص از موکل خود داشته تا اطلاعاتی در این مبحث کسب نموده باشد . لذا قادر است وکالت را بپذیرد بشرط اینکه اخلاق حرفه ای وکالت را لحاظ و سوگند را زیر پا نگذارد . که اگر غیر از این مبحث باشد یعنی بشکلی که وکیل از شرکت غیر دولتی وکالت و قرارداد مشاوره داشته یعنی واقف به تمامی امور حقوقی شرکت بوده پس از اتمام قرارداد وکالتی به طرفیت شرکت بپذیرد تخلف از سوگند نموده است و وفق مقررات با وی برخورد خواهد شد . لذا در این خصوص پیشنهاد می گردد برای اینکه هرگز شائبه ای در عملکرد همکاران ایجاد نشود اقدام به اخذ وکالت چه در جایی که قبلاً" وکیل طرف قرارداد با شرکت بوده وچه بصورت موردی وکالت از شرکت دریافت نموده ، از طرف مقابل آن شرکت قبول وکالت ننماید .

منابع :

۱- مجموعه کامل مقررات وکالت دکتر نصرالله قهرمانی و ابراهیم یوسفی محله

۲- مجموعه کامل مقررات حقوقی

عبدالله سامی

وکیل دادگستری